

چالش‌های جدید حقوق مالکیت فکری

سعید حبیبیا *

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و رئیس بخش

حقوق مالکیت فکری مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۱/۲۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۳/۱۰)

چکیده:

حقوق مالکیت فکری بر حسب طبیعت پویای خود و نیز به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با جهانی شدن و تجارت برقرار کرده است، یکی از پرتحول‌ترین حوزه‌های حقوقی و اقتصادی در عصر کنونی به شمار می‌آید. اهمیت این موضوع از آنجا آشکار می‌گردد که امروزه یکی از عمده‌ترین حوزه‌های مناقشه‌انگیز میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، مقوله حمایت یا عدم حمایت از محصولات فکری و گستره آن می‌باشد. از یکسو، کشورهای توسعه‌یافته با تأکید بر لزوم حمایت از این حقوق، تقویت حمایت را موجب افزایش توسعه و تسهیل انتقال فن‌آوری به کشورهای در حال توسعه می‌دانند و از سوی دیگر کشورهای جهان سوم با این استدلال که مالکیت فکری باید وسیله‌ای برای تحقق توسعه باشد نه هدف، خواستار تعدیل گستره حقوق مزبور و انحصارات ناشی از آن شده‌اند. علاوه بر مقوله توسعه، پیدایش و گسترش اینترنت نیز باعث بروز تحولات نوینی در حوزه حقوق مالکیت فکری شده و مباحث و چالش‌های حقوقی جدیدی را پیش روی آورده است. این مقاله بر آنست تا مهم‌ترین تحولات اخیر در حوزه مالکیت فکری را به اختصار بررسی نماید.

واژگان کلیدی:

حقوق مالکیت فکری - جهانی شدن - توسعه - اینترنت - قواعد ماهوی اختراع - دانش سنتی.

Email: habiba@ut.ac.ir

* فاکس: ۶۶۴۹۷۹۱۲ - ۲۱ - ۹۸

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید... خلاصه‌ای از این مقاله به مناسبت بزرگداشت استاد دکتر سید حسین صفایی در مجله «تأملاتی در حقوق تطبیقی»، سال ۸۶ به چاپ رسیده است.

مقدمه

حقوق مالکیت فکری به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با توسعه اقتصادی، سیاست و فرهنگ دارد همواره با تحولات چشمگیر و به همین اندازه با چالش‌های مختلف به خصوص میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مواجه بوده است به طوری که به عقیده برخی صاحب‌نظران، حقوق مالکیت فکری، تقسیم شدن جهان به دو منطقه غنی و فقیر را تشدید ساخته است (Cohen, 2006, p. 88). این تحولات و چالش‌ها هرچند با تصویب موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) (Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights) (TRIPS Agreement) به نقطه اوج خود رسید اما هیچ‌گاه متوقف نشد و امروزه و پس از گذشت سیزده سال از تصویب این سند جامع، هنوز هم شاهد نقاط ابهام‌آمیز و اختلاف‌برانگیزی هستیم که در غالب موارد به دلیل ارتباط آن‌ها با نیازهای توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه، از حساسیت انکارناپذیری برخوردار هستند. این مسأله باعث شده است تا کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته با تشکیل دو جبهه مخالف در سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) (World Intellectual Property Organization) (WIPO) به دفاع از منافع ملی خود پردازند؛ تشکیل و فعالیت کمیته مالکیت فکری و توسعه در سازمان مذکور که متشکل از پانزده کشور در حال توسعه به رهبری برزیل است و با هدف تعدیل دیدگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته و به خدمت در آوردن این حقوق برای تأمین نیازهای توسعه‌ای کشورهای جهان سوم فعالیت می‌کند، گویای تعارض منافع این دو منطقه اقتصادی جهان است. این اختلاف‌نظرها به اندازه‌ای می‌باشد که در خصوص تحولات اخیر تقریباً راه‌حل مورد توافقی حاصل نیامده است. در سال‌های اخیر تحولات حوزه حقوق مالکیت فکری در سطح جهانی بسیار متنوع بوده است و این موضوع از یک سو به طبیعت پویای موضوع و از سوی دیگر به ارتباط نزدیک این حقوق با جهانی شدن تجارت باز می‌گردد. در این مقاله درصدد آنیم تا عمده‌ترین تحولات مزبور را به طور خلاصه مورد اشاره و نقد قرار دهیم. عمده‌ترین تحولات و چالش‌های اخیر در حوزه مالکیت فکری را می‌توان در بخش‌های حوزه بهداشت عمومی، تلاش کشورهای توسعه‌یافته برای یکنواخت‌سازی قواعد ماهوی ثبت اختراع (Substantive Patent Law) (SPL)؛ مالکیت فکری و توسعه (Intellectual Property and Development)؛ تلاش کشورهای توسعه‌یافته برای حمایت از پخش‌های اینترنتی (Web Casting)؛ اختلاف کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در خصوص حمایت از منابع ژنتیک (Genetic Resources) (GR)، دانش سنتی (Traditional Knowledge) (TK) و مظاهر فرهنگ عامه (Folklore/Traditional Cultural Expressions) (TCEs)؛ و بالاخره امکان ثبت الکترونیکی

برخی مصادیق مالکیت فکری دید که در ادامه و در قالب پنج بخش، این موضوع‌ها را بررسی خواهیم کرد:

۱. بهداشت عمومی، نوآوری و مالکیت فکری:

در سال‌های اخیر جهان شاهد مباحث رو به رشدی در خصوص لزوم توجه بیشتر به ارتباط بین حقوق مالکیت فکری، نوآوری و بهداشت عمومی بوده است که با تلاش‌هایی در زمینه کاهش فقر و ارتقاء دستیابی عمومی به مراقبت‌های بهداشتی همراه شده است. نگرش کشورهای در حال توسعه به مسئله مالکیت فکری و تأثیر آن بر وضعیت بهداشت عمومی مبین این واقعیت است که به‌رغم توسعه علمی و توفیق روزافزون بشر در مقابله با بیماری‌ها و ابداع داروها و روش‌های درمانی جدید، جمعیت کشورهای در حال توسعه در دور باطل فقر و بیماری باقی مانده‌اند و حقوق مالکیت فکری نه تنها امکان نجات ایشان از وضعیت مذکور را فراهم نیاورده است بلکه دسترسی ایشان به داروها و فرآورده‌های بهداشتی را نیز مشکل‌تر ساخته است. این امر در مذاکرات دور دوحه به وضوح مورد توجه قرار گرفته است:

«حمایت مالکیت فکری برای ایجاد داروهای جدید اهمیت دارد..... ما نگرانی‌هایی را که در خصوص تأثیر این حمایت بر قیمت‌ها وجود دارد درک می‌کنیم.» همچنین در فرازی دیگر تأکید شده است که «موافقتنامه تریپس نمی‌تواند و نباید از انجام اقداماتی که برای حمایت از بهداشت عمومی صورت می‌پذیرند جلوگیری نماید. همان‌گونه که ما بر تعهد خود بر اجرای تریپس تأکید می‌کنیم. تریپس هم می‌تواند و باید به نحوی تفسیر و اجرا شود که نقش حمایتی از بهداشت عمومی و به ویژه ارتقاء دسترسی به دارو برای تمامی آحاد جامعه را ایفاء نماید.» (Doha Ministerial Declaration 2001)

در سال ۲۰۰۴ سازمان بهداشت جهانی (WHO) (World Health Organization) یک کمیسیون مستقل را مأمور بررسی و تجزیه و تحلیل رابطه بین حقوق مالکیت فکری، نوآوری و بهداشت عمومی نمود (WHO Commission on Intellectual Property Rights, Innovation and Public Health). گزارش این کمیسیون در ماه آوریل سال ۲۰۰۶ میلادی موجب بیداری جهانیان در زمینه مسائل ناشی از نوآوری و دسترسی به فرآورده‌های بهداشتی به ویژه در کشورهای در حال توسعه گردید. (Report on Intellectual Property, Innovation and Public Health, 2006) در این گزارش کمیسیون به بررسی تأثیرات مختلف حقوق مالکیت فکری بر جریان تحقیقات و نتایج توسعه فرآورده‌های دارویی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و نیز امکان تضمین دسترسی به این فرآورده‌ها در کشورهای در حال توسعه پرداخته است و تأثیر سایر

روش‌ها و سازوکارهای تأمین مالی و انگیزشی و ایجاد ظرفیت برای نوآوری در کشورهای در حال توسعه را مورد توجه قرار داده است. از نکات بسیار مهم این گزارش نتایج منتشره در آن است. به موجب گزارش مذکور تأمین حقوق مالکیت فکری انگیزه مهمی برای توسعه داروهای جدید و فن‌آوری‌های دارویی محسوب می‌شود، لیکن در جوامع بیماری که از فقر رنج می‌برند، این حقوق انگیزه لازم و موثری به شمار نمی‌رود. کمیسیون همچنین در این گزارش بیش از ۶۰ توصیه برای ترویج نوآوری و ارتقاء دسترسی به فرآورده‌های دارویی ارائه نموده است که مشروح این توصیه‌ها در سایت سازمان بهداشت جهانی قابل مطالعه است (<http://www.who.int/phi>).

در ماه می سال ۲۰۰۶ میلادی مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی قطعنامه‌ی شماره‌ی (WHA59.24) را تصویب نمود که به موجب آن از تمامی کشورهای عضو علاقمند خواسته شده است که با توجه به توصیه‌های کمیسیون به عنوان یک راهبرد و برنامه عمل جهانی اقدام به تدوین یک چارچوب میان مدت در خصوص حقوق مالکیت فکری، نوآوری و بهداشت عمومی نمایند. همچنین بر اساس این قطعنامه مقرر شد که یک گروه کاری بین‌الدولی تشکیل و اقدامات ذیل را به انجام رساند:

- به طراحی یک راهبرد و برنامه عمل جهانی که اهداف آن از جمله تضمین ایجاد یک شالوده پایدار و مترقی برای هدایت نیازها و توسعه و تحقیق در امور بهداشتی ضروری که مرتبط با بیماری‌هایی که تأثیر نامناسبی بر توسعه کشورها دارند، اقدام خواهند نمود.
- گزارشی در خصوص پیشرفت حاصل شده در زمینه توجه ویژه به هدایت نیازها و سایر حوزه‌های بالقوه برای اقدامات فوری اجرایی به شصتمین نشست مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی ارائه نمایند.
- راهبرد و برنامه عمل جهانی نهایی شده را به شصت و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی ارائه نمایند.
- این کارگروه نخستین جلسه خود را با حضور ۱۰۰ کشور عضو و مشارکت سایر گروه‌های ذی‌نفع و نیز نمایندگان واپو در دسامبر سال ۲۰۰۶ میلادی برگزار نمود و شش عنوان را در پیش‌نویس برنامه عمل لحاظ کرد. این عناوین عبارتند از:
 - الویت‌بخشی به موضوع تحقیق و نیازهای توسعه،
 - رشد تحقیق و توسعه،
 - ایجاد و ارتقاء ظرفیت نوآوری،

- بهبود روش‌های تحویل و دسترسی،

- تضمین سازوکارهای مالی پایدار،

- ایجاد یک نظام نظارت و گزارش‌دهی،

در جریان مذاکراتی که در زمان برگزاری نشست صورت پذیرفت دو مسئله دیگر نیز به آن

اضافه شد که عبارتند از:

- انتقال فن‌آوری،

- مدیریت مالکیت فکری،

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از جمله مواردی که در عناوین فوق مورد توجه قرار گرفته است موضوع مالکیت فکری است. این موضوع در طی مذاکرات منطقه‌ای و نیز در جریان نشست‌های شصت و شصت و یکم مجمع عمومی بهداشت جهانی مطرح و مباحث بسیاری را بین شرکت‌کنندگان موجب گردید. اهم مواردی که در خصوص مالکیت فکری مورد بحث و مذاکره واقع شد عبارتند از: ظرفیت‌سازی، مباحث دسترسی به اختراعات مرتبط با بهداشت، بهره‌گیری از روش‌های منبع آزاد (Open-Source) برای حمایت از کشفیات علمی، اتخاذ تمهیدات انگیزشی جایگزین نظیر اعطای جوایز و روش‌های بازاریابی نوین، به حداکثر رسانی انعطاف در نظام‌های جاری و تعهد به تحقیق و توسعه.

آنچه که از خلال مباحث مذکور جلب توجه می‌نماید رویکرد جامعه جهانی به محدود نمودن انحصارات ناشی از مالکیت فکری و توسعه روش‌های جایگزین برای تشویق نوآوری‌ها و در عین حال فراهم آوردن امکان دسترسی هرچه بیشتر مردم کشورهای در حال توسعه به فرآورده‌های بهداشتی و درمانی می‌باشد که این موضوع چالشی جدی بر سر راه گسترش حمایت‌ها براساس توسعه مفاهیم مالکیت فکری به شمار می‌رود.

۲. تلاش کشورهای توسعه‌یافته برای یکنواخت‌سازی قواعد ماهوی

ثابت اختراع

از جمله تحولات اخیر حوزه مالکیت فکری که امروزه به یکی از نقاط چالش‌برانگیز میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده است، تلاش کشورهای پیشرفته خصوصاً آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا برای هماهنگ‌سازی قواعد ماهوی اختراع در قالب موافقتنامه مادرید است. ایجاد نظام صحیح ثبت اختراع جهانی با یک اداره مرکزی برای صدور ورقه‌های اختراع معتبر، در میان شرکت‌های فراملیتی و استراتژیست‌های نظام ثبت اختراع یک رؤیا بوده است. قبل از انعقاد موافقتنامه تریپس این امر به عنوان یک رؤیا قلمداد می‌شد؛ چرا که ضرورت یکنواخت‌سازی کامل شرایط ماهوی از نظر سیاسی، غیر قابل دستیابی به نظر

می‌رسید. وایپو مکرراً در این زمینه تلاش کرده و شکست خورده است. آخرین تلاش سازمان مربوط به اواخر دهه ۱۹۸۰ می‌باشد که به شکست انجامید. علت این شکست را در پاسخ این سؤال باید جستجو کنیم که چرا صاحبان صنایع، دولت‌ها را تشویق می‌کردند که موضوعات مربوط به ثبت اختراع را به مذاکرات سازمان جهانی تجارت (World Trade Organization) (WTO) انتقال دهند؟ جایی که فشار سیاسی از سوی کشورهای غنی می‌توانست در یک سطح بسیار بالاتری نسبت به وایپو، که یک نهاد فنی با قدرت سیاسی یا دانش عملی محدود است، سازمان‌دهی شود. موضوع یکنواخت‌سازی کامل شرایط ماهوی مجدداً در سال ۲۰۰۰ میلادی در دستور کار وایپو قرار گرفت. در چارچوب دستور کار فوق، کمیته دائمی حق اختراع (SCP) (Standing Committee of Patent) در طی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ میلادی در جلسات متعدد خود، پیش‌نویس معاهده ۱۶ ماده‌ای را در رابطه با مسائل ماهوی اختراع مورد بحث و بررسی نمایندگان کشورهای عضو قرار داده و این مذاکرات در دهمین اجلاس کمیته در سال ۲۰۰۴ در مقر وایپو جهانی مالکیت فکری در ژنو برگزار شد و به لحاظ اختلاف شدید کشورهای پیشنهاددهنده و نمایندگان کشورهای در حال توسعه تقریباً به بن‌بست رسید و تاکنون نیز به نتیجه‌ای نرسیده است. توضیح اینکه کشورهای ژاپن و آمریکا به همراه اداره اختراعات اروپا بر این عقیده اصرار دارند که به جای بررسی همه مسائل مربوط به ماهیت اختراعات، چهار موضوع مشخص یعنی دانش پیشین (Prior Art)، مهلت ارفاقی (Grace Period)، نوآوری (Novelty) و گام ابتکاری (Inventive Step) بدو مورد مذاکره و در خصوص مفهوم و گستره دقیق آن اتخاذ تصمیم شود و معاهده‌ای در این زمینه تهیه گردد و در رابطه با دیگر مقررات ماهوی اختراع که مورد نظر کشورهای در حال توسعه است، در مراحل بعدی، رسیدگی و اتخاذ تصمیم گردد. این پیشنهاد، مورد مخالفت جدی کشورهای در حال توسعه و واردکننده اختراعات قرار گرفته است؛ زیرا این دسته از کشورها معتقدند که تمام مسائل مربوط به ماهیت اختراع از جمله موضوع محدودیت‌ها و استثنائات بر حقوق انحصاری مخترع، باید همراه با موارد چهارگانه فوق‌الذکر مورد بحث و بررسی کمیته دائمی قرار گیرد و تفکیک موضوعات به نحوی که از طرف کشورهای پیشرفته پیشنهاد شده است را به نفع کشورهای در حال توسعه ندانسته‌اند. بی‌گمان تصویب طرح مورد نظر کشورهای توسعه‌یافته قابلیت انعطاف‌پذیری قوانین ملی کشورها را در رابطه با موضوعات ماهوی اختراعات که تا حدودی، مورد تأیید و تأکید موافقتنامه تریپس نیز می‌باشد، کم‌رنگ و قدرت قوانین ملی کشورها را در خصوص این موضوع محدودتر می‌کند (میرحسینی، ۱۳۸۵) و (<http://www.wipo.org/wipo/scp/10/5>). برای شناخت بیشتر لازم است معاهده حقوق ماهوی ثبت اختراع (Substantive Patent Law) (SPLT) Treaty را از زوایای دیگر بررسی نماییم.

الف. کارکرد معاهده حقوق ماهوی ثبت اختراع

این معاهده با هدف برداشتن یک گام اساسی تدوین شد. موافقتنامه تریپس حداقل استانداردهای لازم را تعریف می‌کند (یکنواخت‌سازی)؛ در حالی که معاهده آن را ارتقاء داده و حداکثر استانداردها (سقف) را برای آن ارائه می‌کند. در حالی که امروزه، کشورها برای برقراری شرایط اضافی، جهت واگذاری ورقه اختراع از آزادی کامل برخوردار هستند، مگر در صورتی که به طور صریح توسط تریپس منع شده باشند، اما در آینده، صرفاً این حق انتخاب‌ها را در صورتی خواهند داشت که معاهده به طور صریح معین کرده باشد. اگر یک ثبت اختراع جهانی، تبدیل به واقعیت شود، جهت اینکه ورقه‌های ثبت اختراع به طور متمرکز با یک اعتبار جهانی واگذار شود؛ دولت‌های سراسر دنیا باید موافقت خود را با از بین بردن نظام‌های ملی ثبت اختراع و پذیرش یک قانون ثبت اختراع مشترک اعلام کنند (Grain, 2002, p.7).

ب. تفاوت معاهده و موافقتنامه تریپس

معاهده ادامه‌دهنده مستقیم اهداف موافقتنامه تریپس است. اما تفاوت‌های مهمی از نظر فرآیند و نیز سیاست‌گذاری میان آن‌ها وجود دارد. یکی از دلایل اصلی موفقیت تریپس این بود که صرفاً متضمن «استانداردهای حمایتی بود که کشورهای توسعه یافته می‌توانستند میان خودشان مورد موافقت قرار دهند» (Reichman, Jerome H., 1998, p.32). مبنای همکاری مستحکم میان سه قطب آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن که در عالم ثبت اختراع به عنوان قطب سه‌جانبه مشهور هستند، این بود که هیچ‌کدام از آنها چیزی از موارد مهم را در قوانین ثبت اختراع خود جهت مطابقت با موافقتنامه تریپس نباید اضافه کند یا تغییر دهد. تمام مفاد آن، پیرامون تغییر مقررات کشورهای در حال توسعه بود. در واقع تمام مسائلی که باعث کناره‌گیری کشورهای در حال توسعه از روند موافقتنامه می‌شد به دقت خارج از قلمرو آن قرار داده شد.

معاهده بر خلاف تریپس ابتدا به کنار گذاشتن باقی مانده تفاوت‌های میان کشورهای قطب سه‌جانبه پرداخته است. این امر بسیار ساده به نظر می‌رسد؛ زیرا تغییرات مورد نظر در مقایسه با تحول کلی که تریپس برای کشورهای در حال توسعه در بردارد، کاملاً محدود است. از این رو، احتمالاً از نظر سیاسی برای وصول به سطح اجماع، یکنواخت‌سازی میان بقیه کشورهای جهان نسبت به قدرت‌های سه‌جانبه بسیار دشوارتر از آنچه به نظر می‌رسد خواهد بود.

تفاوت مهم دیگر این است که تریپس تنها بواسطه ضمیمه شدن به بسته (Package) کلی سازمان جهانی تجارت قابل اجرا است. کشورهای در حال توسعه با دو گزینه مواجه بودند: پذیرش تریپس به عنوان جزئی از بسته و یا عدم عضویت در سازمان جهانی تجارت به طور

مطلق. اکثر آن‌ها تریپس را به عنوان یک دشمن ضروری جهت تأمین منافع تجاری مورد انتظار در زمینه‌های دیگر، به ویژه روش بهتر برای وصول به بازارهای کشورهای توسعه یافته در مورد صادرات کشاورزی و نساجی پذیرفتند. معاهده در یک فضای بسیار متفاوتی مورد مذاکره قرار می‌گیرد. امضاء معاهده داوطلبانه خواهد بود. کشورها می‌توانند معاهدات واپسو را بر مبنای بررسی موردی (Case-By-Case) بپذیرند.

نقش معاهده برخلاف پاره‌ای از معاهدات خاص واپسو، در ارتباط با آینده نظام ثبت اختراع و در واقع ساختارهای قدرت در اقتصاد جهانی چنان محوری خواهد شد که عدم عضویت در آن دشوار خواهد بود.

پ. موضوعات محوری

موضوعات محوری در مذاکرات معاهده چیست؟ اگر کشورها نهایتاً در مورد متن معاهده به توافق برسند احتمالاً چه چیزی تغییر می‌کند؟

۱. تمرکز قدرت

معاهده به طور غیر قابل اجتناب، به تمرکز بیشتر قدرت بر نظام ثبت اختراع در واپسو و ادارات ثبت اختراع بزرگ منجر می‌شود. برنده نهایی تصویب معاهده اساساً قطب سه جانبه ثبت اختراع یعنی امریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا و در برخی موضوعات سایر کشورهای توسعه یافته و احتمالاً بعضی از کشورهای در حال توسعه خواهند بود. کشورهای غنی به طور فزاینده نظام ثبت اختراع را به مثابه ابزار اولیه کنترل اقتصاد جهانی مورد توجه قرار می‌دهند. دلیلی وجود ندارد باور کنیم که آن‌ها به اراده خود بر ناکارآمدسازی آن توافق خواهند نمود.

معاهده نه تنها فضای حقوقی کوچکی را برای سازگاری ملی اعطاء نمی‌کند، بلکه بیشتر انگیزه‌ها را برای کشورهای کوچکتر و فقیرتر جهت حفظ ظرفیت بررسی ثبت اختراع ملی از بین می‌برد. حتی با عدم نیل به یک سازوکار جهانی ثبت اختراع، ممکن است در طول زمان، حجم بزرگی از اقدامات برای بررسی ثبت اختراع در اختیار کامل ادارات بزرگتر متمرکز شود؛ به گونه‌ای که به طور مؤثر یکنواخت سازی جهانی بدون هیچ نیازی به یک توافقنامه رسمی به دست آید.

۲. استثنائات حداقلی از قابلیت ثبت اختراع

تنها موضوع ماهوی که باعث از هم پاشیدن اتحاد کشورهای سه جانبه می‌شود، عبارت است از مسئله محدودیت‌های قابلیت ثبت. امریکا به طور واقعی ثبت اختراع در مورد هر

چیزی را اجازه می‌دهد در حالی که ژاپن و به ویژه اتحادیه اروپا دارای محدودیت‌های شدیدتری هستند. این موضوع دارای دو بعد اصلی است.

اولی عبارت است از اینکه در حوزه ملی چه موضوعاتی باید از قابلیت ثبت اختراع مستثنی شوند؟ امریکا هیچ‌کدام را نمی‌خواهد و اتحادیه اروپا تاکنون از استثنائات اجازه داده شده بر اساس موافقتنامه تریپس به منظور رعایت اخلاق حسنه و نظم عمومی و نیز برای گیاهان و حیوانات دفاع کرده است.

بعد دیگر این است که آیا اختراع ثبت شده باید حائز ویژگی فنی باشد؟ بر اساس تریپس ورقه‌های ثبت اختراع باید در تمام زمینه‌های فن‌آوری قابل دسترس باشد؛ اما نه در مورد موضوعات غیر فناورانه. در حقوق امریکا چنین محدودیتی وجود ندارد؛ بدین مفهوم که چیزهایی مانند «برنامه‌های کامپیوتری» و «روش‌های تجارتي» همچنان قابل ثبت هستند.

اگر چه حتی امریکا در پافشاری خود بر کنار گذاشتن استثنائات فعلی از قابلیت ثبت اختراع کاملاً دچار تردید شده است، اما بسیار محتمل است که بعضی موفقیت‌ها در توافق نهایی به دست آید؛ تنها بدین جهت که اتحادیه اروپا و ژاپن در مقایسه با امریکا دارای احتمال موفقیت اندکی، در ارائه پیشنهاد هستند.

با توجه به اینکه در حال حاضر احتمال زیادی وجود دارد که اتحادیه اروپا که عملاً راجع به گیاهان و حیوانات، تقریباً به اندازه امریکا اقدام به واگذاری ورقه اختراع می‌نماید، تسلیم مقوله ثبت اختراع راجع به موجودات زنده شود؛ چرا که تفاوت اندکی میان متن تریپس و متن کنوانسیون ثبت اختراع اروپایی (EPC) (European Patent Convention) وجود دارد. موقعی که تریپس استثناء نمودن «حیوانات و گیاهان» را از مقررات اعطای حقوق مالکیت فکری اجازه می‌دهد، کنوانسیون یاد شده صرفاً «گونه‌های گیاهی و حیوانی» را مستثنی نموده است و این امر به گونه‌ای گمراه کننده توسط ادارات ثبت اختراع اروپایی چنین تفسیر شده است که ثبت اختراعات راجع به گیاهان و حیوانات تا زمانی که درخواست مورد نظر برای «رقم» (Variety) ارائه شده باشد، و درباره طبقات دیگر همچون «نژادها» (Species) و یا «رگه‌های خالص برای اصلاح» (Breeding Line) نباشد، مورد قبول است. به همین دلیل، اتحادیه اروپا به آسانی می‌تواند یک تغییر مشابه از واژه پردازی در معاهده را بدون هرگونه تأثیری نسبت به رویه ثبت اختراع خود بپذیرد. همچنین این اقدام، کار مشکلی برای ژاپن یا سایر کشورهای توسعه یافته محسوب نمی‌شود. تحول مزبور صرفاً می‌تواند بر کشورهای در حال توسعه تأثیرگذار باشد که اکثر آن‌ها هنوز هم نوآوری‌های مرتبط با گیاهان و حیوانات را از امکان دریافت ورقه اختراع استثناء کرده‌اند (حبیب، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۵).

۳. توافقی‌های فرهنگی و زبانی

باقی مانده موضوعات اصلی، بیشتر در مورد فرهنگ و زبان است تا ماهیت. این بدین مفهوم نیست که بگوئیم آنها به سادگی حل خواهند شد. نهایتاً، دولت‌ها می‌خواهند نسبت به دست کشیدن از رفتار و رویه‌های ریشه دار خود بی‌میل باشند اما تحولات مورد نظر باعث ایجاد تفاوت ماهوی در مورد شیوه کارکرد نظام ثبت اختراع نخواهد شد. مهم‌ترین موضوع از مسایل فرهنگی عبارت است از تقسیم کشورها براساس پذیرش اصول «اولین مخترع» (First-to-Invent) و یا «اولین متقاضی اظهارنامه ثبت اختراع» (First-to-File). آمریکا در پافشاری به اعطاء ورقه اختراع بر مبنای تاریخ ایجاد اختراع و نه تاریخ ثبت تقاضانامه یکی از معدود کشورها^۱ به شمار می‌آید که از روش مذکور پیروی می‌کند (همان، ص ۱۵۴). هدف کلی نظام «اولین متقاضی اظهارنامه ثبت اختراع» جلوگیری از امتناع مخترعین از ثبت اختراع و در عین حال برداشتن بار از دوش اداره ثبت اختراع است (Stuart J.H.Graham, 2000, p.143). آمریکا به این هدف واقع‌گرایانه تن نمی‌دهد ولی اتحادیه اروپا و سایر کشورهای دنیا دنبال مصالح خود هستند. برای آن‌هایی که با این مسأله درگیر هستند، بسیار روشن است که معاهده قواعد ماهوی حقوق ثبت اختراع به وجود نخواهد آمد مگر اینکه آمریکا نسبت به تغییر نظام خود موافقت کند. لیکن مسأله چنان حساس است که حتی در متن پیش‌نویس معاهده ذکر نشده است. در آمریکا، شرکت‌های بزرگ به طور کلی آماده شده‌اند تا این تغییر را در ازای مزایایی که یکنواخت‌سازی جهانی می‌تواند به آنها بدهد، بپذیرند. اما اقلیت قابل شمارشی از مخترعین منفرد با پشتیبانی سیاسی قابل توجه به شدت از اصل «اولین مخترع» به عنوان مبنای منصفانه برای ثبت اختراعات دفاع می‌کند.

مسأله بسیار اساسی دیگر عبارت است از مهلت ارفاقی که عنصر ضروری برای نظام «اولین مخترع» به حساب می‌آید. بدین مفهوم که به یک مخترع، مدت زمان معینی مابین تاریخ ایجاد اختراع و تاریخ ثبت اظهارنامه ورقه اختراع اجازه داده شود، مدت زمانی که اطلاعات راجع به اختراع، بدون بی‌اعتبار شدن ادعای حق اختراع قابل گردش باشد. حتی اگر در نهایت، آمریکا قاعده «اولین مخترع» را کنار بگذارد، می‌خواهد دوره مهلت ارفاقی را حفظ کرده و نیز آن را بر اساس معاهده اجباری سازد؛ چیزی که به نظر می‌رسد اکثریت کشورها حداقل به همراه پاره‌ای از شرایط، خود را آماده پذیرش آن‌ها کرده‌اند.

مسأله فرهنگی دیگر که زمان بیشتری از مذاکره را اشغال کرده، این است که آیا اختراع می‌بایست مستلزم «قابلیت کاربرد صنعتی» (Industrial Applicable) (اتحادیه اروپا و اکثر

^۱ کشور دیگر فیلیپین است.

کشورهای دیگر) یا «سودمندی» (Utility) (امریکا و بعضی از کشورهای دیگر) باشد؟ در تریپس از این مشکل بواسطه استفاده از هر دو اصطلاح به صورت موازی جلوگیری شده است. در حالی که شباهت‌هایی با بحث مربوط به «ویژگی فنی» وجود دارد، از اسناد وایپو چنین ظاهر می‌شود که در حقیقت، عملاً هیچ تفاوت آشکاری میان کشورهای که از هر یک از اصطلاحات استفاده می‌کنند وجود ندارد.

ت. مسائل فنی

علاوه بر مسائل فراوان سیاسی، شمار زیادی از موضوعات کم و بیش فنی هم وجود دارد. به عنوان مثال در میان کشورها نسبت به پیروی از رویه بررسی اختراع امریکا تمایل زیادی وجود دارد زیرا برای متقاضیان بسیار مطلوب بوده و میزان کمی از منافع اشخاص ثالث را زائل می‌کند؛ موردی که مقررات مزبور را برای تغییرات و اصلاحات در مورد ورقه‌های اختراع بعد از ثبت مورد ملاحظه قرار می‌دهد. اما جایی که اتحادیه اروپا در مورد توجه به شرایط توصیف میکروارگانسیم‌های تودیع شده، بسیار راحت است موارد دشواری وجود دارد که راه‌حل آنها در اینکه چگونه شدت نظام ثبت اختراع باعث ارتقاء انحصارات بر فن‌آوری خواهد شد، تأثیرگذار خواهد بود.

همچنین یک مقرر فنی وجود دارد که می‌تواند در خنثی سازی قلمرو زیستی و دستبرد به دانش فنی مهم باشد. ماده‌ای در مورد دانش و آگاهی سابق وجود دارد که بیانگر این است که دانش و آگاهی سابق عبارت خواهد بود از: «همه اطلاعاتی که برای عامه مردم و در هر نقطه‌ای از دنیا و به هر شکل قابل دسترسی باشد.» این مقرر ممکن است بدیهی به نظر برسد اما می‌تواند بر یک تحول بزرگ نسبت به رویه فعلی امریکا دلالت کند که فقط به طور کامل اطلاعات قابل دسترس در میان مرزهای امریکا را مفروض می‌گیرد. خارج از امریکا اطلاعات، صرفاً در صورتی که به شکل مکتوب وجود داشته باشد به عنوان فن پیشین تلقی خواهد شد. این مسأله یک عامل مهم در بسیاری از موارد، مربوط به حریم زیستی مشهود محسوب خواهد شد. به عنوان مثال به‌رغم استفاده از درخت "نیم" (Neem) در آسیای جنوبی که سابقه به کارگیری از آن به بیش از صدها سال پیش به برمی‌گردد، در امریکا برای آن ورقه اختراع صادر می‌گردد؛ به دلیل این که دانش و آگاهی سابق به صورت دانشی بوده که به طور شفاهی منتقل شده است - همان طور که معمولاً انتقال دانش سنتی به این نحو است (Reichman, 1998, p.232) و تا زمانی که متن قدیمی سانسکریت جهت اثبات آن پیدا شد، توجهی به آن نمی‌شد.

ث. ابتکارات مربوط به کشورهای در حال توسعه

به‌رغم اینکه اکثریت اعضای وایپو را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند، این کشورها ابتدا سنت رایج خود را که عمدتاً نقش انفعالی در مذاکرات است را در پیش گرفتند. اما در سال ۲۰۰۲ آنها نیز نقش بسیار فعالی به خود گرفته و تعدادی از اصلاحات مهم را برای متن معاهده به ثبت رساندند. بیشتر آن اصلاحات درباره مسائل محوری هستند؛ مبنی بر اینکه تا چه نقطه‌ای، فرآیند یکنواخت‌سازی باید پیش رفته و چه استثنائات ملی برای قابلیت ثبت باید تجویز شود؟

کشورهای امریکای لاتین، اصلاحاتی را به ثبت رسانده‌اند که براساس آن:

- (۱) به یک کشور اجازه پیش‌بینی استثنائاتی از معاهده را جهت تکمیل تعهدات بین‌المللی برای حمایت از منابع ژنتیک و دانش سنتی یا حمایت از سلامت عمومی یا منفعت عمومی در اقتصاد اجتماع و توسعه علمی و فن‌آوری می‌دهد.
- (۲) اجازه رد درخواست‌های ثبت اختراع را در صورتی که منطبق بر قوانین قابل اعمال با توجه به بهداشت عمومی، دسترسی به منابع ژنتیک، دانش سنتی یا دیگر زمینه‌های مصلحت عمومی نباشد، می‌دهد.

سایر کشورهای در حال توسعه اصلاحاتی را پیشنهاد کرده‌اند که:

- (۳) شرطی را برای اعلام مبدأ مواد زیستی و ژنتیکی مورد استفاده در اختراعات مورد ادعا و انطباق با اصل رضایت قبلی (PIC) (Prior Informed Consent) در مقررات راجع به دسترسی به منابع ژنتیک اضافه می‌کند.

- (۴) به طور کلی ممنوعیت در قبال شرایط ملی اضافی راجع به درخواست‌های ثبت اختراع را حذف می‌کند.

همه این اصلاحات به جز یک مورد، می‌تواند به دولت‌ها آزادی بیشتری جهت سازگار کردن نظام‌های ثبت اختراع با اهداف سیاست‌گذاری ملی اعطاء کرده و سطح یکنواخت‌سازی در معاهده را کاهش دهد. به طور قابل پیش‌بینی، کشورهای توسعه یافته و وایپو به این اصلاحات با یک نشانه پاسخ دادند و آن اینکه اصلاحات مذکور به مثابه یک تهدید برای تمام مذاکرات مورد تفسیر قرار گرفت. وایپو با یک بی‌تفاوتی کلی به روند ایجاد شده، تا حدی پیش رفت که از قرار دادن اصلاحات اولیه در پیش‌نویس معاهده خودداری کرد و در نهایت با اصرار کشورهای در حال توسعه، وایپو مجبور به تجدیدنظر گردید.

در هر صورت یکی از اصلاحات، به طور مؤثر با هدف یکنواخت‌سازی سازگاری داشت. اصلاحات پیرامون اعلام مبدأ و رضایت قبلی با هدف بهبود سازگاری با کنوانسیون تنوع زیستی (Convention on Biological Diversity) (CBD) را دنبال می‌کرد. دلیلی وجود ندارد که چرا

قانون ثبت اختراع نمی‌تواند با این قاعده در صورت شمول آن، در مقایسه با فقدان آن، همگون سازی شود. با این وجود، این اصلاحیه همچنین با مقاومت از سوی کشورهای توسعه یافته مواجه شد که بیان می‌کردند یکنواخت‌سازی صرفاً تا موقعی که مبتنی بر شرایط آن‌ها باشد برای آن‌ها جالب است.

ج. دلایل مدافعان یکنواخت‌سازی

کشورهای در حال توسعه به طور قابل ملاحظه‌ای درباره موضوعات محوری ارائه شده در این اصلاحات جبهه متحدی را به نمایش گذاشته‌اند. از آرژانتین گرفته تا سرتاسر آفریقا و چین، پیام واضح بوده است که تمایلی به دست کشیدن از حق خود مبنی بر استفاده از نظام‌های ثبت اختراع به عنوان ابزاری برای اهداف سیاست گذاری ملی گسترده‌تر ندارند. کشورهای در حال توسعه فهمیدند که آنها از جریان یکنواخت سازی قانون ثبت اختراع احتمالی، چیزهای بسیار زیادی دارند که ممکن است از دست بدهند تا به دست آورند. حجم کاری کاهش یافته و هر نوع مزیت عملی یکنواخت سازی نمی‌تواند بیشتر از خسارت ناشی از کنترل سیاسی بر رشد حتمی و عوامل منفعت عمومی باشد.

بنابراین چرا اصلاً یکنواخت‌سازی را مورد مذاکره قرار دهیم؟ تاکنون کشورهای در حال توسعه خود را به یک سطح افراطی از یکنواخت‌سازی به واسطه موافقتنامه تریپس متعهد کرده‌اند. تعداد کمی از آنها به طور آزادانه دست به این انتخاب زده‌اند که ورقه‌های اختراع مربوط به تغذیه، داروها و ارگانسیم‌های زنده را تا حدی که موافقتنامه تریپس مقرر می‌دارد، معرفی کنند. بطلان‌های محدود و دوره‌های بلند مدت اجرایی اعطا شده به آنها بر اساس موافقتنامه تریپس آثار منفی را تقلیل نداده بلکه فقط آنها را به تأخیر انداخته است. آنچه کشورهای در حال توسعه به آن نیاز دارند یکنواخت‌سازی قواعد ثبت اختراع نیست؛ بلکه عقب نشینی تدریجی مقررات تریپس می‌باشد. آن‌ها نیازمند دستیابی مجدد به آزادی عمل در انتخاب زمینه‌های ثبت اختراع و براساس شرایطی هستند که تمایل به فراهم کردن آن‌ها دارند. به واسطه همکاری در مورد تریپس مضاعف (TRIPS-Plus) که با هدف برقراری سطوح بسیار بالایی از یکنواخت‌سازی تنظیم شده است، کشورهای در حال توسعه به یک موقعیت کاملاً مخالف نائل خواهند آمد. اصلاحاتی که باعث پدید آمدن استثنائات یا منافذ موسع می‌شوند، می‌تواند باعث کم ضرری معاهده باشد. لیکن باز هم بسیار خطرناک‌تر از حالتی خواهد بود که هیچ معاهده‌ای وجود نداشته باشد.

کشورهای در حال توسعه قدرت برقراری و یا به شکست کشانیدن این مذاکرات را دارند. آن‌ها در مخالفت با کشورهای توسعه یافته مواد مورد بحث مشترک، ظرفیت فنی لازم و

رهبری سیاسی جهت پیگیری امور خود از طریق ابتکارات اتخاذ شده را دارند. اگر آنان به طور جدی خواهان فضای سیاسی به منظور رشد و منافع عمومی خود باشند نیازمند آن هستند که:

۱- به سادگی جواب «نه» به یکنواخت سازی حقوق ثبت اختراع آتی در وایپو بدهند. بدون کشورهای در حال توسعه هیچ معاهده ماهوی حقوق ثبت اختراع و هیچ تحولی از وایپو به سازمان ثبت اختراع جهانی (World Patent Organization) (WPO) وجود نخواهد داشت.

۲- تمام بحث را به سازمان جهانی تجارت برگردانده و با اقتدار خواسته‌های خود را با انعطاف بیشتر مطرح نمایند.

این امر بدون شک مشکل خواهد بود؛ اما صرفاً در سازمان جهانی تجارت است که امکان هر نوع کاهش یکنواخت‌سازی ثبت اختراع وجود دارد. با انجام اصلاحاتی در وایپو، کشورهای در حال توسعه در بهترین وضعیت، فقط می‌توانند افزایش در سطح یکنواخت‌سازی را کنترل کنند. مسائل عمده مطرح شده توسط کشورهای در حال توسعه به عنوان اصلاحات برای معاهده به درستی و در واقع به موافقتنامه تریپس مربوط می‌شوند و باید به آن ارجاع داده شود. به عنوان مثال:

۱) حق راجع به استثنائات عمومی برای حمایت از منافع عمومی مختلف و امور مربوط به توسعه

۲) حق رد اختراعات افراد در زمینه‌های مشابه

۳) مقرر کردن شرط اعلام مبدأ منابع بیولوژیکی (زیستی) و دادن بار اثبات رضایت قبلی. (در حال حاضر این مورد در تریپس تحت بحث و بررسی است).

به طور هم‌زمان، کشورهای در حال توسعه باید درخواست خود را مبنی بر لزوم ارائه نهایی تمام فهرست اصلاحیه‌های پیشنهادی همچون پیشنهاد مورد حمایت مؤکد جهت منع کامل ثبت اختراعات راجع به اشکال حیاتی (Life Forms) تجدید کنند. این پیشنهاد مکرراً از سال ۱۹۹۹ توسط گروه آفریقایی و کشورهای کمتر توسعه یافته در سازمان جهانی تجارت ارائه شده است، اما هنوز منتظر اقدام هستند.

می‌توان اصل رفتار مساوی با تمام اشکال فنی موجود را که یکی از مؤلفه‌های مثبت فرآیند یکنواخت‌سازی در پیش نویس معاهده است به تریپس ارجاع داد. برخلاف سایر موضوعات، این مورد در وایپو مورد نزاع نبوده است. بنابراین دلیل خوبی وجود ندارد که چرا کشورها به خوبی نتوانستند به جای سازمان جهانی مالکیت فکری با آن اصل در سازمان جهانی تجارت موافقت کنند.

چ. فقدان راهبرد برد-برد (Win – Win Scenario)

این بحثی بسیار مبهم است؛ اما به ویژه بعد از نشست کانکن (Cancun) – جایی که کشورهای در حال توسعه سرانجام نقش قانون‌گذاری خود را به عنوان اعضاء سازمان جهانی تجارت به عهده گرفتند – هنوز حتی توقف معاهده و اصلاح موافقتنامه تریپس مشکلات مزبور را حداقل به دو دلیل قطعی حل نخواهد کرد:

- اصلاح موافقتنامه تریپس به هر مقدار، باعث تغییر این واقعیت نخواهد بود که آن توافقنامه‌ای برای دور شدن از خط‌مشی حقوق مالکیت فکری ملی در راستای مباحث تجارت آزاد است. الغاء، تنها روش واقعی برای حل آن مشکل است.
- در صورتی که روند چند جانبه یکنواخت‌سازی ثبت اختراع در واپو متوقف شده و با درخواست‌های انعطاف‌پذیر به سازمان جهانی تجارت برگردانده شود، بدون تردید تلاش‌های طاقت فرسایی را از سوی کشورهای صنعتی جهت دستیابی به یکنواخت‌سازی جهانی و روز افزون استانداردهای «تریپس مضاعف» از طریق معاهدات دو جانبه و منطقه‌ای تنظیم شده در پشت درهای بسته را شاهد خواهیم بود. اکنون روش‌های کلیدی که تمام کشورها به واسطه آنها به زودی به سمت استانداردهای بین‌المللی برتر، جهت حمایت از مالکیت فکری متمرکز می‌شوند، وجود دارد.

کشورهای در حال توسعه با توجه به شرایط خود نیازمند کنترل بر "دستورکار بین‌المللی (Agenda)" برای یکنواخت‌سازی حقوق ثبت اختراع، در سازمان جهانی مالکیت فکری و یا در سازمان جهانی تجارت هستند؛ اما در عین حال نیاز فوری‌تر ایشان متوقف کردن قطاری است که با سرعت به سمت همان نقطه پایانی در مراکز کشورهایشان حرکت می‌کند. اگرچه ممکن است متناقض به نظر رسد، معاهدات دو جانبه همچنان ابزارهایی برای نیل به استانداردهای جهانی – تضمین امنیت قابلیت پیش‌بینی و آزادی برای شرکت‌های فراملیتی – هستند.

هیچ راه‌حل برد-برد برای این اختلاف وجود ندارد. چرا که منشأ این تعارض و نزاع عبارت است از کنترل بر اقتصاد جهانی و توزیع منافع آن. کشورهای ثروتمند استفاده از هر نوع ابزاری را که در اختیار دارند، جهت تحریک، اعمال فشار و قدرت مطلق بر کشورهای فقیر به منظور واگذاری و اجرای امتیازات انحصاری شدیدتر، در مورد دانش و فناوری ادامه خواهند داد. شرکت‌های فراملیتی دائماً به منظور تحصیل مزیت کاری و زیرساخت‌های کم هزینه، قسمت اعظم تسهیلات تولیدی خود را به کشورهای در حال توسعه انتقال می‌دهند. حق ثبت اختراعات و سایر حقوق مالکیت فکری، روش اولیه برای تضمین این امر هستند. این بی‌ثباتی در اقتصاد جهانی، به توزیع کاملاً برابر ثروت و قدرت نمی‌انجامد. به واسطه تداوم کنترل بر

روی حقوق مربوط به تولید، کشورهای غنی و قدرتمند می‌توانند همچنان فاقد تعهد به تولید بیشتر باقی بمانند. حق اختراع، کلیدی برای این نظم نوین استعماری جهانی یا حتی برای آنچه که تحت عنوان «فئودالیسم اطلاعاتی» (Information Feudalism) مصطلح شده، نه بر اساس رقابت آزاد بلکه بر مبنای امتیازات انحصاری اعطاء شده به شرکت‌های جهانی توسط امیران قدرت‌های بزرگ نظامی، می‌باشند. (Grain, 2002, p.9)

۳. مالکیت فکری و توسعه

هرچند موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (تریپس) در مواد (۷) و (۸) خود علاوه بر لزوم حمایت از حقوق مالکیت فکری، بر ضرورت توسعه کشورها و تسهیل انتقال فن‌آوری تاکید کرده است، اما چند سال پس از تصویب و لازم‌الاجرا شدن این سند، کشورهای در حال توسعه به تحقق هر چه بیشتر بخش اول این مواد یعنی لزوم حمایت از مالکیت فکری و عدم تحقق بخش دوم آن یعنی افزایش سطح توسعه کشورها پی بردند. این کشورها بعدها در قالب کمیته مالکیت فکری و توسعه که قبلاً به آن اشاره شد سعی نمودند سیاست‌های یکجانبه حمایت از مالکیت فکری را تعدیل نمایند (<http://www.int/ip-development/en>). کشورهای مذکور بر این باورند که حمایت از مالکیت فکری برای کمک به ارتقای توسعه کشورهای در حال توسعه و تسهیل انتقال تکنولوژی به این کشورها در عمل چندان محقق نشده است و حمایت از حقوق انحصاری کشورهای توسعه‌یافته که تولیدکننده و صادرکننده موضوعات حقوق مالکیت فکری نظیر دارو، آثار ادبی و هنری و مالکیت‌های صنعتی بودند، بیش از آنکه به توسعه کشورهای واردکننده کمک کند، بر شکاف اقتصادی این کشورها با کشورهای توسعه‌یافته افزوده است. امروزه سهم عمده تولید و عرضه محصولات فکری در بازارهای جهانی در قبضه چند کشور صنعتی است؛ برای مثال در زمینه دارو، امروزه کشور آمریکا با در اختیار داشتن ۶۷٪ بازار جهانی دارو، بیشترین سهم عرضه و فروش دارو در جهان را در اختیار دارد و از این رو سالانه ۱۵ میلیارد دلار برای تحقیق، توسعه و تولید دارو اختصاص داده است. این در حالی است که تنها معدودی از کشورهای در حال توسعه نظیر مکزیک، برزیل، آرژانتین، هند و چین، قادر به ابداع داروهای جدید هستند و سایر کشورها حتی از ظرفیت اولیه برای ساخت مواد اولیه و بسته‌بندی دارو هم برخوردار نیستند؛ لذا سهم کشورهای در حال توسعه در تولید و عرضه آفریده‌های فکری

در بازارهای جهانی در قیاس با کشورهای صنعتی، بسیار ناچیز است (UNDP و Human Development Report).^۱

افزایش حمایت از حقوق انحصاری ناشی از مالکیت‌های فکری و در نتیجه، منع تولید و تکثیر تجاری آن‌ها در بازار کشورهای در حال توسعه، علاوه بر کاهش تولید، به افزایش تقاضا و در نتیجه بالا رفتن قیمت این محصولات منتهی می‌شود. این موضوع می‌تواند در دراز مدت به نفع شرکت‌های چند ملیتی فعال در بازار کشورهای در حال توسعه باشد زیرا به تدریج باعث کنار رفتن رقبای داخلی از صحنه رقابت به نفع شرکت‌های متعلق به کشورهای صنعتی می‌شود؛ بنابراین یکی از دلایل مهم تاکید این شرکت‌ها بر حمایت گسترده از حقوق مالکیت فکری، فایده اقتصادی غیرقابل انکار آن برای غول‌های صنعتی جهان است.^۲ به علاوه، افزایش مصادیق حقوق انحصاری ناشی از اعطای حقوق مالکیت فکری، بر هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) (Research & Development) اثر منفی می‌گذارد و تمرکز سرمایه‌گذاری را بیش از پیش به سمت کشورهای صنعتی سوق می‌دهد؛ همچنین برقراری حقوق انحصاری برای گروهی خاص باعث محرمانه ماندن اطلاعات علمی به ویژه اطلاعات ژنتیکی، کند شدن سرعت مبادله دانش و گردش آزاد اطلاعات و انحصاری گشتن مواد مورد نیاز برای تحقیقات بعدی در زمینه محصولات فکری و پرهزینه شدن آن شده و خواهد شد. این فرآیند منفی از اوایل دهه ۱۹۸۰ شدت یافته و امروزه به اوج خود رسیده است. از آغاز این دهه، تولید بسیاری از آفریده‌های فکری نزد شرکت‌های خاصی متمرکز شده است؛ زیرا تنها شرکت‌های بسیار بزرگ قادر هستند تا هزینه بالای تحقیق و توسعه - که طبیعتاً هزینه بالایی می‌طلبد - را بپردازند.

در هر حال، کشورهای در حال توسعه همچنان نقش حاشیه‌ای را در فعالیتهای تحقیق و توسعه (تولید دانش) دارند، در حالی که برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود به فن‌آوری‌های مبتنی بر تحقیق و توسعه نیازمندند. در این میان، تاکید موافقتنامه تریپس بر حمایت گسترده از مالکیت فکری و بدون دغدغه نیازهای توسعه‌ای کشورهای فقیر، شکاف اقتصادی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را تشدید کرده است.

^۱ - (مطابق گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، سهم کشورهای آمریکا، کانادا، ژاپن، استرالیا و اتحادیه اروپا در بازار جهانی عرضه و فروش دارو، حدود ۸۰ درصد است در حالی که این رقم در آمریکای لاتین، ۷/۵ درصد و در آفریقا ۱/۳ درصد است. برگرفته از:

UNDP, *Human Development Report*, Available at:
www.ims-global.com/insight/report/global/report.htm.)

^۲ - بنا به قول پروفیسور آلن (Alan) در کنفرانس ضد انحصار: «قوانین مالکیت فکری، به نفع تولیدکنندگان کشورهایایی تمام شده است که صادرکننده آن هستند... در این حوزه، ما بازنده‌ایم»

کمیته مالکیت فکری و توسعه همچنین به اثر منفی حمایت گسترده از مالکیت فکری بر انتقال فن‌آوری به کشورهای در حال توسعه اشاره کرده و استدلال موافقین حمایت را رد می‌کند که می‌گویند تقویت حمایت از مالکیت فکری می‌تواند انتقال فن‌آوری به کشورهای در حال توسعه را تسهیل کند و کشورهای صنعتی با احساس خطر کمتری، به این انتقال راضی می‌شوند؛ و بر این باورند که این حمایت به خودی خود نمی‌تواند ورود فناوری را تسهیل نماید؛ در واقع عوامل متعددی مانند زیرساخت‌های مناسب اداری و اقتصادی و سیاسی در این رابطه نقش اصلی را دارند. در غیر این صورت ممکن است کشوری بدون داشتن این زیرساخت‌ها صرفاً به حمایت قوی حقوقی از حقوق مالکیت فکری بپردازد و این حمایت قانونی تاثیر چندانی در انتقال فن‌آوری نداشته باشد؛ به علاوه، با بررسی سایر ابعاد اقتصادی می‌توان دریافت که حمایت از این حقوق در حوزه انتقال فناوری می‌تواند چالش‌های اقتصادی زیادی برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده و گاه مستقیم یا غیرمستقیم، هزینه‌هایی را بر این کشورها تحمیل نماید، چرا که کشورهای متقاضی انتقال فن‌آوری مکلف هستند تضمینات بیشتری را برای حمایت از مصادیق و حقوق گسترده مالکیت فکری لحاظ کنند، ضمن آنکه کشورهای صنعتی می‌توانند با قدرت مانور بیشتر، این شرط را در قراردادهای انتقال فن‌آوری بگنجانند که فن‌آوری مزبور با قیمت بیشتری به کشور متقاضی، وارد شود. پذیرش این شرط، ملازم با افزایش هزینه‌های اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه است و عدم پذیرش شرط و عدم ورود فن‌آوری مزبور، تولیدکنندگان داخلی کشورهای در حال توسعه را از فن‌آوری روز محروم می‌کند. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌گردد که بدانیم مطابق آمار، ۵۰/۶ درصد از فن‌آوری خوب یا متوسط که توسط کشورهای در حال توسعه، از کشورهای صنعتی نظیر ژاپن، فرانسه و آمریکا وارد می‌شود که امروزه جزو طرفداران حمایت از کاربرد جدید (New Use) داروها هستند. گسترش حمایت از این حقوق می‌تواند هزینه انتقال فن‌آوری را بالا برده و با رویه فعلی، در آینده نزدیک آن‌ها را از ورود فن‌آوری‌های مورد نیاز، محروم سازد. این مطالب، در برخی گزارش‌ها و مطالعات بانک جهانی (World Bank) تایید شده است (Correa, 2007, pp. 1-5).

۴. تلاش کشورهای توسعه‌یافته برای حمایت از پخش‌های

اینترنتی

در زمان تصویب معاهده حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی و ویدئو (WPPT) (WIPO Performances and Phonograms Treaty) در سال ۱۹۹۶، تنها اجراها و آثار صوتی در محیط اینترنتی مورد حمایت قرار گرفتند و پخش‌های اینترنتی، از شمول حمایت

خارج شدند. دلیل این سکوت نیز اختلاف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در خصوص اصل حمایت از پخش‌های رادیویی و تلویزیونی در محیط اینترنتی بود؛ چرا که کشورهای در حال توسعه، حمایت از پخش رادیویی و تلویزیونی در محیط اینترنتی را متناسب با سیاست توسعه‌ای خود نمی‌دانستند. این اختلافات باعث شد تا معاهده مزبور از پرداختن به این موضوع خودداری کرده و تنها از اجراها و آثار صوتی در محیط مزبور سخن گفته است. البته اخیراً وایپو با تهیه پیش‌نویسی تحت عنوان پیش‌نویس وایپو برای حمایت از سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی و نیز ضمیمه غیرالزام‌آور آن در خصوص حمایت از پخش صوتی - تصویری از طریق اینترنت، مقرراتی را در مورد حقوق این سازمان‌ها از جمله در محیط اینترنتی در نظر گرفته است که به موجب آن، پخش‌ها همان‌گونه که در محیط فیزیکی (غیرمجازی) مورد حمایت قرار می‌گیرند، باید در محیط اینترنتی نیز حمایت شوند و از لحاظ اصل حمایت، نباید تفاوتی میان محیط مجازی و غیرمجازی باشد (صادقی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۳). این موضوع که برای کشورهای در حال توسعه و دریافت‌کننده این‌گونه پخش‌ها، بسیار هزینه‌بردار است، به علت مخالفت کشورهای در حال توسعه، فعلاً از دستور کار خارج شده است. (WIPO, Web Casting, International Seminar on Related Rights, September 15, 2005.) با این حال برای آشنایی خوانندگان محترم، به مهم‌ترین نکات این پیش‌نویس که مرتبط با محیط اینترنتی است، به طور خلاصه اشاره می‌شود^۱:

در مقدمه این پیش‌نویس آمده است که یکی از اهداف این متن، به رسمیت شناختن نیاز به ایجاد مقررات بین‌المللی جدید و وضع راه‌حل‌های مناسب در برابر مسائل ناشی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فن‌آوری است. ماده (۱۴) این پیش‌نویس نیز به سبک معاهده حقوق مالکیت ادبی و هنری وایپو (WCT) و معاهده اجراها و آثار صوتی وایپو (WPPT)، طرف‌های متعاقد را ملزم به اتخاذ تدابیر حمایتی حقوقی و مناسب و نیز وضع جبران خسارت علیه اشخاصی کرده است که از اجرای اقدامات حمایتی مبتنی بر فن‌آوری - که سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی برای حفاظت از حقوقشان در محیط دیجیتالی اتخاذ کرده‌اند - بهره می‌روند. همچنین به موجب ماده (۱۵) پیش‌نویس، طرف‌های متعاقد، متعهد شده‌اند تا ضمانت اجراهای موثر حقوقی از جمله جبران خسارت را برای کسانی وضع کنند که اقدامات آنها باعث تغییر یا جایگزینی اطلاعات مدیریت حقوق یا در دسترس عموم قرار دادن بدون اجازه اطلاعات مدیریت حقوق الکترونیکی یا موجب تسهیل در نقض حقوق سازمان‌های

¹ - For the Full Text of this Draft, see: *Draft Basic Proposal for the WIPO Treaty on the Protection of the Broadcasting Organizations and Appendix on the Protection in the Relation to Web casting*, in: Fourteenth Session of Standing Committee on Copyright and Related Rights, Geneva, May 1 to 5, 2006.

پخش رادیویی و تلویزیونی شده است. مطابق بند (۳) ماده (۱۵) منظور از اطلاعات مدیریت حقوق در مورد این سازمان‌ها عبارت است از: اطلاعاتی که سازمان پخش‌کننده، پخش رادیویی و تلویزیونی، صاحب حق در پخش رادیویی و تلویزیونی یا اطلاعات راجع به زمان و شرایط استفاده از پخش رادیویی و تلویزیونی و تعداد و کدهای حاوی این اطلاعات را روشن می‌سازد؛ وقتی که هر یک از این اطلاعات، به موارد زیر منضم باشند: ۱) پخش رادیویی و تلویزیونی یا امواج مقدم بر پخش؛ ۲) انتقال مجدد؛ ۳) انتقالی که به دنبال تثبیت پخش رادیویی و تلویزیونی انجام می‌شود؛ ۴) در دسترس عموم قرار دادن پخش تثبیت شده یا ۵) نسخه‌ای از پخش تثبیت شده.

این پیش‌نویس، دارای یک ضمیمه نیز در مورد حمایت از پخش‌های صوتی - تصویری از طریق اینترنت است. این ضمیمه علی‌الاصول غیرالزام‌آور است مگر آنکه یک کشور در موقع تودیع سند الحاق، آن را برای خود الزام‌آور اعلام کرده باشد. مطابق بند (الف) ماده (۲) این ضمیمه، پخش صوتی - تصویری از طریق اینترنت عبارت است از: انتقال با سیم یا بدون سیم بر روی یک شبکه رایانه‌ای جهت دریافت اصوات یا تصاویر یا صوت و تصویر آن توسط عموم یا عرضه عمومی آن از طریق برنامه ارسال‌کننده امواج که برای افراد عموم به طور هم‌زمان قابل دسترس باشد. براساس بند (ب) همین ماده، سازمان پخش صوتی - تصویری اینترنتی (Web casting Organization)، شخصی حقوقی است که ابتکار و مسئولیت انتقال عمومی اصوات یا تصاویر و یا صوت و تصویر یا عرضه عمومی آن و مجموع و جدول زمانی مطالب انتقال را برعهده دارد. کشورهایی که در صورت تصویب نهایی به معاهده مزبور پیوندند، مقررات معاهده را در مورد حمایت از پخش صوتی - تصویری از طریق اینترنت، با رعایت اصل رفتار ملی موضوع ماده (۴) ضمیمه اعمال خواهند کرد؛ با این حال بند (ب) ماده (۳) ضمیمه اجازه داده است که کشورها در سند تودיעی خود برای الحاق، حمایت اعطا شده به پخش صوتی - تصویری از طریق اینترنت که هم‌زمان و غیرمتفاوت با پخش رادیویی و تلویزیونی سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی‌شان می‌باشد را از دایره حمایت، مستثنی نمایند.

۵. اختلاف کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در خصوص

حمایت از منابع ژنتیک، دانش سنتی و مظاهر فرهنگ عامه (فلکلور)

منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور از جمله سرمایه‌های واقعی کشورهای دارنده این منابع، دانش‌ها و مظاهر به ویژه جوامع محلی و بومی و روستائیان این کشورها می‌باشد. این موضوعات ضمن اینکه ابزار توسعه هستند، به عنوان کاتالیزور، تکنولوژی وارداتی را متناسب

با محیط می‌سازند. به علاوه آن‌ها به دلیل مزایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی دارای ارزش اقتصادی و قابلیت مبادله‌ای هستند. بنابراین منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور به دلیل ارزش‌های بالفعل و بالقوه باید تحت مدیریت و تدابیر حفاظتی همه جانبه اداری و قضایی ملی و بین‌المللی قرار گیرند.

دانش سنتی و بومی به عنوان گونه‌ای از علم و تجربه، حاصل سال‌ها تلاش و تجربه‌اندوزی جوامع بومی و محلی در بستر زمان و در مناطق خاص جغرافیایی می‌باشد. مزایای فراوان این دانش به عنوان منبع بی‌بدیل و الهام بخش خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها و قابلیت تعمیم و تولید انبوه، که نتایج آن نیز امکان تجاری‌سازی و بهره‌برداری اقتصادی دارد، باعث شده است که این دانش به گونه‌ای ناجوانمردانه و به عناوین مختلف مورد سوءاستفاده و سرقت قرار گرفته و صاحبان و مالکان این حق که زحمات مربوط به نگهداری و پاسداری از این حق را به عهده داشته و دارند از این ره‌آورد طرفی نبندند و همچنان با فقر دست و پنجه نرم کنند. دانش ژنتیک و شناخت ارقام سودمند گونه‌های گیاهی کشاورزی و دارویی، کشاورزی ارگانیک، طب سنتی، معماری سنتی، آبیاری سنتی و صدها دانش دیگر از جمله مصادیق سرمایه‌های دانش سنتی به ویژه در مناطق روستایی و عشایری است.

دانش سنتی می‌تواند به عنوان کالای سرمایه‌ای جوامع بومی و روستایی که دارای ارزش اقتصادی و مبادله‌ای است در جهت رفع یا کاهش فقر در جامعه روستایی و بومی مورد بهره‌گیری قرار گیرد. رویه‌های اقتصادی نیز این امر را به رسمیت می‌شناسد. زیرا در حوزه اقتصادی و بالخصوص بخش صادرات، "صدور دانش فنی" از جمله اقدامات اقتصادی دولت‌ها محسوب می‌شود. دانش سنتی یا فن‌آوری محلی نیز چنین قابلیت را دارد.

دانش سنتی با مالکیت فکری پیوند قابل توجهی دارد. در حال حاضر یکی از مباحث مطرح در واپس دانش سنتی است، کشور ایران نیز در کمیته‌های تخصصی مربوط حضور فعال دارد. این موضوع از این جهت اهمیت دارد که کشور ایران یکی از پایگاه‌های فرهنگی و تمدنی معتبر دنیا به شمار می‌رود. اقوام ایرانی که در قالب روستاها و عشایر شکل یافته‌اند، منبع سرشار دانش و تکنیک‌های محلی و بومی هستند و سال‌های متمادی نسبت به نگهداری و پاسداشت آن کوشش و تلاش نموده‌اند و اکنون نیز در تمامی تار و پود زندگی آنان کاربردی و نهادینه شده است. این دانش اگر چه محلی است، لیکن در عرصه کشور جزو سرمایه‌های ملی محسوب می‌شود و دولت باید در این خصوص نقش حمایتی ویژه‌ای را ایفا نماید (حبیب، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۳ تا ۱۶۳).

زمانی که موضوع حمایت از این موضوعات برای نخستین‌بار از سوی کشورهای چینی، برزیل و برخی کشورهای در حال توسعه مطرح شد و در دستور کار واپس قرار گرفت، با

مخالفت شدید کشورهای توسعه یافته مواجه شد. این دسته از کشورها با تکیه بر مبانی کلاسیک حقوق مالکیت فکری، موضوعاتی چون دانش سنتی جوامع بومی را اساساً به عنوان موضوعی دارای ویژگی‌های مالکیت فکری ندانستند زیرا بر این باور بودند که اولاً: این دانش‌ها متعلق به جوامع بوده و به دلیل مالکیت جمعی و عدم قابلیت اختصاص به فرد یا افرادی مشخص قابل حمایت نیستند؛ در حقیقت، این دانش جزو میراث مشترک بشری بوده و همانند دریاهای آزاد متعلق به تمام جوامع هستند؛ ثانیاً: این دانش‌ها وصف تازگی را به عنوان یکی از شروط اساسی حمایت ندارند. در نتیجه همه کشورها در این میراث مشترک بشری، سهمی دارند و باید حقوق آنها محفوظ بماند، و بر لزوم حمایت از این دانش تأکید کردند (WIPO, 2001, p. 518). استدلال کشورهای در حال توسعه باعث تشکیل کمیته و منابع ژنتیک، دانش سنتی و فرهنگ عامه در وایپو شده است که به رغم برگزاری نشست‌های متعدد تاکنون به نتیجه مشخص منتهی نشده و هیچ سند الزام‌آور بین‌المللی برای حمایت از این موضوعات تهیه نشده است؛ حتی در سطح ملی قوانین زیادی در این زمینه وجود ندارد و تنها کشورهایی چون برزیل، هند، مصر، پرو و کلمبیا با استفاده از نظام قراردادی سعی در تأمین منافع خود داشته‌اند؛ هر چند این نظام هم خالی از ایراد نیست و همانند قوانین امری نمی‌تواند منافع جوامع صاحب دانش سنتی را به خوبی تأمین کند؛ با این حال، این سازوکار، بهتر از خلاء مطلق قانونی در این مورد است (برای مطالعه بیشتر در این زمینه به منابع ذیل مراجعه شود:

(حبیبیا، پیشین، ص ۱۲۳ تا ۱۶۲؛ *The Protection of Traditional Knowledge*, Available at: www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/.../wipo-grtkf-ic-7-6-annex 1.pdf)

۶. امکان ثبت الکترونیکی برخی مصادیق مالکیت فکری

معاهده حقوق علائم تجاری جهت یکسان‌سازی حقوق داخلی کشورها در حمایت از علائم تجاری توسط وایپو در سال ۱۹۹۴ به تصویب رسید (WIPO, Trademark Law Treaty and Regulations, Geneva, 225 (E), 1997.)

هدف این معاهده ساده‌سازی و هماهنگ کردن رویه‌های ثبت علائم تجاری در کشورهای عضو می‌باشد. بیشتر مواد این معاهده به رویه ادارات ثبت علائم تجاری مربوط می‌شود که قابل تقسیم به سه مرحله شامل: تقاضای ثبت علائم تجاری تغییرات پس از ثبت و تجدید ثبت می‌باشد. مقررات مربوط به هر مرحله مشخص شده است به نحوی که معاهده مقرر می‌دارد در هر مرحله اداره ثبت چه چیزهایی را می‌تواند از متقاضی یا مالک علامت ثبت شده تقاضا کند و چه چیزهایی را مجاز نیست تقاضا کند.

معاهده مذکور ۲۵ ماده دارد. بر اساس بند (۱) ماده (۲) این معاهده صرفاً درخصوص علائم تجاری قابل رؤیت اعمال می‌شود و علائم تجاری صوتی و اصولاً علائم غیربصری را شامل نمی‌شود. همچنین براساس بند (الف) ماده (۲) در صورتی که طرف‌های قرارداد، ثبت علائم تجاری سه بُعدی را بپذیرند در مورد این علائم قابل اجرا خواهد بود. اگرچه این معاهده با توجه به بند (الف) (۲) ماده (۲) درخصوص علائم مربوط به کالا و خدمت اعمال می‌شود، اما در عین حال براساس بند (ب) ماده (۲) علائم جمعی و تأییدکننده را تحت پوشش خود قرار نمی‌دهد. بند (۷) ماده (۱۳) نیز مقرر می‌دارد مدت اعتبار ثبت علامت در این معاهده ده سال تعیین شده است و کشورهای عضو وایپو و نیز سازمان‌هایی که اداره‌ای برای ثبت علائم تجاری کشورهای عضو دارند و تمامی اعضاء ایشان عضو وایپو می‌باشند در اجرای ماده (۱۹) می‌توانند به عضویت این معاهده در آیند که در این راستا تا تاریخ ۲۳ ماه جولای سال ۲۰۰۷ میلادی، ۳۸ کشور به عضویت این معاهده در آمده‌اند (برای دیدن متن کامل این معاهده می‌توانید به آدرس ذیل مراجعه کنید:

(www.wipo.int/treaties/en/statistics/statsResults.jsp?treaty_id=5&lang=en.)

اما با بازنگری معاهده در سال ۲۰۰۶، استفاده از فضای مجازی در رابطه با علائم تجاری مورد توجه قرار گرفت و تغییرات مهمی در معاهده مزبور اعمال شد. در تغییرات اعمال شده در این معاهده، توجهی خاص به مقوله فضای دیجیتالی و علامت تجاری شده است. به موجب تغییرات جدید متقاضی ثبت علائم تجاری می‌تواند از طریق دادن اظهارنامه الکترونیکی و اسناد دیجیتالی تقاضای ثبت علامت خود را به مرکز دیجیتالی وایپو ارسال دارد که علامت تقاضا شده پس از بررسی و احراز شرایط لازم و ثبت در مرکز مزبور ثبت شده و از آن به بعد هر متقاضی دیگری که بخواهد علامتی کاملاً مشابه یا عین آن علامت را ثبت کند با توجه به اطلاعات مندرج در مرکز فوق اجازه ثبت در مرکز دیجیتالی وایپو داده نمی‌شود

(WIPO, *Establishment of A Digital Access Services for Priority Documents*, Forty-Second Series of Meetings, Geneva, September 25- October 3, 2006.)

امکان تقدیم اظهارنامه الکترونیکی، محدود به علامت تجاری نبوده و گسترش تجارت الکترونیکی باعث شد تا این امکان در خصوص ثبت اختراعات نیز فراهم شود. توضیح اینکه معاهده همکاری در ثبت اختراع (Patent Cooperation Treaty) (Text of the PCT, available in: <http://www.wipo.int/treaties/ip/plt/index.html>(PCT)), و مقررات تکمیلی که در ماه ژوئن سال ۲۰۰۰ میلادی پذیرفته شد، شامل مقرراتی راجع به الزامات شکلی راجع به تقاضای حق اختراع است. وایپو مدت‌ها در صدد تهیه مقرراتی در مورد شیوه‌های جدید تکمیل و ارائه تقاضا در فرم‌های الکترونیکی همراه با امضای دیجیتالی بود و حتی تحقیقی از برخی دول عضو راجع

به افشای اطلاعات بر روی اینترنت به عمل آورد. این تلاش‌ها اخیراً به نتیجه رسیده و واپسو در اجلاس چهل و دوم خود در سپتامبر سال ۲۰۰۶، امکان تقاضای ثبت اختراع با شیوه الکترونیکی و دسترسی دیجیتالی به اسناد راجع به حق تقدم را به رسمیت شناخته است؛ که این مساله، یکی دیگر از جلوه‌های تاثیر اینترنت بر حقوق مالکیت فکری در حوزه اختراع است. چنین شیوه‌های نوینی هنوز به طور جدی در ایران مورد توجه قرار نگرفته است و نسبت به فضای الکترونیکی جو بی‌اعتمادی وجود دارد. اما با توجه به رشد فزاینده استفاده از ثبت الکترونیکی بین‌المللی علائم و اختراعات و نیز رشد چشمگیر استفاده از تجارت الکترونیکی در دنیا، به نظر می‌رسد که باید این شیوه‌ها به زودی مورد توجه مسئولین ذی‌ربط و به ویژه اداره مالکیت صنعتی کشور قرار گیرد.

تأثیر اینترنت بر حوزه حقوق مالکیت فکری در زمینه دانش پیشین نیز بروز و ظهور یافته است. توضیح اینکه برای تعیین این که موضوع مورد تقاضا برای اختراع، حاوی شروط جدید و گام ابتکاری است یا خیر، ابداع مورد ادعا با وضعیت دانش موجود مقایسه می‌شود. از این دانش به «دانش پیشین» تعبیر می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۳). دانش پیشین در شکل الکترونیکی آن نیز مطرح بوده و به «دانش مجازی (Cyber Art)» معروف است. این دانش جدید، پرسش‌هایی اساسی را مطرح ساخته است: آیا این نوع اطلاعات، حتی اگر تنها برای یک مدت محدود، فاش شده باشد، اساساً دانش پیشین تلقی می‌شوند؟ قابلیت دسترسی به این دانش به عنوان دانش پیشین در محیط اینترنتی چگونه است؟ آیا می‌توان این دانش را علیه ابداعی که برای آن شروط جدید یا گام ابتکاری بودن مورد بررسی است، اعمال نمود؟

اگرچه برخی از این پرسش‌ها ممکن است در مورد دانش پیشین به روی کاغذ نیز مطرح شود اما انتشار بر روی اینترنت، اقتضائاتی متفاوت دارد. سندیت (Authenticity)، صحت (Veracity) و کامل بودن (Integrity)، از جمله موضوعات اساسی در مورد دانش پیشین در محیط مجازی است چرا که دانش مجازی از حیث تغییر و تنقیص، آسیب‌پذیرتر است. تعیین زمان افشا و قابلیت دسترسی عموم به دانش مجازی - که به شبکه، اجازه و قابلیت انتشار فوری در سطح بین‌المللی را می‌دهد، از دیگر دغدغه‌ها است. به علاوه، قوانین ملی ممکن است مفهوم دانش پیشین را تا حدی توسعه دهند که استفاده‌های پیشین را نیز شامل شود.

قانون‌گذار ژاپنی، در اصلاحی که طی قانون شماره ۴۱ مورخ ماه می سال ۱۹۹۹ میلادی در قانون اختراع این کشور انجام داد در صدد پاسخگویی به برخی از چالش‌های فوق بوده است. این قانون تصریح می‌کند که ابداعی که از طریق شبکه قابلیت دسترسی عموم را دارد، قبل از تکمیل تقاضانامه ابداع، حاوی شرط نو بودن است. این قانون همچنین تأیید می‌کند که یک

ابداع که عموماً از طریق شبکه افشاء می‌شود در یک مدت ارفاقی (Grace Period) شش ماهه، بر روی شبکه قرار می‌گیرد. منظور از مهلت ارفاقی، مهلتی است که به مخترع مجال می‌دهد اختراع خود را بازاریابی یا آزمایش کند و بدون اطمینان از تجاری شدن اختراع، اقدام به ثبت آن نکند به ویژه آن که این ثبت در برخی کشورها مانند آمریکا و ژاپن، پر هزینه است (میرحسینی، پیشین، ص ۶۳). مهلت ارفاقی خدشه‌ای به جدید بودن اختراع وارد نمی‌کند.

در نظام‌های حق اختراع، برای حمایت از حقوق مخترع و جامعه، از یک سو برای مدتی محدود به مخترع حق انحصاری بهره‌برداری از اختراع و منع غیر از بهره‌برداری تجاری از اختراع را می‌دهد و از سوی دیگر الزام به افشای اطلاعات راجع به ابداعات اختراع شده برای عموم را مطرح می‌سازد. این اطلاعات که در اسناد مربوط به اختراع، طبقه‌بندی و ذخیره شده‌اند برای هر کس و به طور روزافزون از طریق شبکه اینترنتی، قابل دسترسی است. برای مثال، امروزه اداره ثبت اختراع و علامت تجاری امریکا (<http://www.uspto.gov>)، اداره ثبت اختراع ژاپن (<http://www.jpo.go.jp>)، اداره مالکیت فکری کانادا (<http://www.cipo.gc.ca>) و مرکز اطلاعات مالکیت صنعتی در تایلند (<http://www.ipic.moc.go.th>)، اطلاعات راجع به اختراع را بر روی اینترنت قرار داده‌اند. از این‌رو، افشای اجباری ابداعات، امکان دسترسی به دانش فنی را تقویت کرده، انتقال فن‌آوری را تسهیل نموده و فرصت‌های خلق و ابداع توسط دیگران را افزایش می‌دهد.

نتیجه:

ایران در مواجهه با مقوله حقوق مالکیت فکری، با دو ضرورت متفاوت روبه‌رو است و هنر سیاست‌گذاران و نیز گروه مذاکره‌ای ایران در الحاق به سازمان جهانی تجارت، جمع کردن میان این دو مصلحت است:

مصلحت نخست که برخاسته از ضروریات و قواعد حقوقی است، لزوم حمایت از دارندگان حقوق مالکیت فکری نظیر پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و مخترعین می‌باشد. حمایت از این اشخاص به عنوان ضرورتی انکارناپذیر در سطح ملی همه کشورهای جهان به ویژه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت و در سطح بین‌المللی در قالب اسناد الزام‌آور پذیرفته شده است و ایران نمی‌تواند به دلایلی چون واردکننده بودن محصولات فکری، از پذیرش اصل حمایت از این حقوق، سرباز زند زیرا عدم حمایت از آفرینندگان محصولات فکری، علاوه بر آنکه انگیزه مخترعین و پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط را برای آفرینش ایده‌های نو و اختراعات جدید و ابتکاری خواهد کاست، در سطح بین‌المللی نیز برای ما زیان‌های مادی و معنوی بسیاری به خصوص در دراز مدت به همراه خواهد داشت

چراکه کشورهای تولیدکننده این محصولات، متقابلاً از حمایت محصولات فکری ایرانیان در کشورشان خودداری می‌کنند؛ ثانیاً بسیاری از قراردادهای مهم انتقال فن‌آوری و سرمایه‌گذاری خارجی ایران با کشورهای توسعه‌یافته، منوط به حمایت شایسته از محصولات آنها است که عدم حمایت از این محصولات، می‌تواند در جریان اجرای مناسب این قراردادها، خللی جدی وارد سازد.

اما **مصلحت دوم** که ناشی از ضروریات و ملاحظات غیرحقوقی به ویژه ملاحظات توسعه‌ای و اقتصادی است، این است که قانون‌گذار و سیاست‌گزاران ما در باب حمایت از حقوق مالکیت فکری، باید مقوله تامین نیازهای توسعه‌ای کشورمان به عنوان یک کشور نیازمند و واردکننده بسیاری از محصولات فکری را لحاظ کنند. درست است که گسترش حمایت از حقوق مالکیت فکری حتی فراتر از معیارهای تریپس، مجاز بوده و در مواردی اندک، می‌تواند مخترعین و نوآوران ایرانی را تشویق کند، اما از آنجا که این حمایت گسترده، هزینه‌های هنگفتی را بر اقتصاد ما وارد می‌سازد، لذا به مصلحت نبوده و توصیه نمی‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- ایران در فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت و پذیرش موافقتنامه تریپس، تنها استانداردهای حداقلی را بپذیرد و نه بیش از آن تا از این طریق علاوه بر قبول معیارها و اصول تریپس، ملاحظات کلی توسعه‌ای کشور نیز ملحوظ گردد؛
- ۲- گروه کاری ایران در کمیته مالکیت فکری و توسعه با کمک دیگر اعضا، در جهت تعدیل سیاست انحصارطلبانه کشورهای توسعه‌یافته و طرفدار گسترش حقوق مالکیت فکری، کوشش بیشتری کند؛
- ۳- گروه کاری ایران در کمیته دانش سنتی، فولکلور و منابع ژنتیکی، فعال‌تر از قبل در جهت برقراری حقوق مالکیت فکری نسبت به این موضوعات که ایران در آنها ذی‌نفع است، تلاش کند؛
- ۴- همکاری بیشتر ایران با کشورهای در حال توسعه و فعال در زمینه حقوق مالکیت فکری نظیر برزیل و هند و ایجاد نشست‌هایی جهت نزدیک‌سازی دیدگاه این کشورها در مواجهه با کشورهای توسعه‌یافته، می‌تواند سیاست‌های امروزی حاکم بر مالکیت فکری را که غالباً در جهت تامین منافع کشورهای توسعه‌یافته است، تعدیل سازد.

منابع و مأخذ:

الف- فارسی

- ۱- حبیبیا، سعید، (۱۳۸۵) «حمایت از دانش سنتی به عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲.
- ۲- حبیبیا، سعید، (۱۳۸۳) «نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶.
- ۳- صادقی، محسن، (۱۳۸۶) «حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی»، تهران: نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۴- میر حسینی، سید حسن، (۱۳۸۵) *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی (فکری)*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

ب- خارجی

- 1-Correa Carlos, *Implementing TRIPs in Developing Countries*, Available at: <<http://www.twinside.org.sg/title/ment-cn.htm>, 2007>.
- 2-Daniel Cohen, *Globalization and Its Enemies*, (England: The MIT Press, 2006).
- 3-*Draft Basic Proposal for the WIPO Treaty on the Protection of the Broadcasting Organizations and Appendix on the Protection in the Relation to Webcasting*, in: Fourteenth Session of Standing Committee on Copyright and Related Rights, Geneva, May 1 to 5, 2006.
- 4- Doha Ministerial Declaration 2001, Available at: <<http://www.who.int/phi>>.
- 5- Grain, WIPO Moves Towards 'World Patent' System, 2002 Available at: <<http://www.grain.org/publications/wipo-patent-2002-en.cfm>>.
- 6- PCT, Available at: <<http://www.wipo.int/treaties/ip/plt/index.html>>.
- 7- Reichman, Jerome H., *Securing Compliance with the TRIPS Agreement After US v India*, Journal of International Economic Law, Vol. 1, No. 4, December 1998.
- 8- Report on Intellectual Property, Innovation and Public Health, 2006. Stuart J.H. Graham et al, *Post-Issue, Patent "Quality Control": A Comparative Study of U.S. Patent*, Available at: <www.law.duke.edu/journals/articles/2003_dltr_2006.htm>.
- 9-*The Protection of Traditional Knowledge*, Available at: <www.wipo.int/edocs/mdocs/tk/en/.../wipo-grtkf-ic-7-6-annex_1.pdf>.
- 10-UNDP, *Human Development Report*, Available at: <www.ims-global.com/insight/report/global/report.htm>.
- 11-WIPO, *Establishment of A Digital Access Service For Priority Documents*, Forty-second Series of Meetings, Geneva, September 25 to October 3, 2006.
- 12-WIPO, *Intellectual Property Needs and Expectations of Traditional Knowledge Holders*, (WIPO, WIPO Publications, 2001).
- 13-WIPO, *Web casting, International Seminar on Related Rights*, September 15, 2005.
- 14- <<http://www.uspto.gov>>.
- 15- <<http://www.jpo.go.jp>>.
- 16- <<http://www.cipo.gc.ca>>.
- 17- <<http://www.ipic.moc.go.th>>.
- 18- <<http://www.wipo.org/wipo/scp/10/5>>.
- 19- <<http://www.who.int/phi>>.
- 20- WHO Declaration, No. WHA59.24.

از این نویسنده تا کنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:
«امکان صدور ورقه اختراعات بیوتکنولوژی و موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)»، سال ۸۲ شماره ۶۰، «نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)»، سال ۸۳ شماره ۶۶، «حمایت از دانش سنتی به عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری» سال ۸۵ شماره ۷۲، «حمایت از دانش سنتی در عرصه ملی و بین‌المللی»، سال ۸۵ شماره ۷۲.